

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دکتر موساس

رویدادها و آموخته‌ها

علی آذریان

انتشارات بابا علی

بهار ۱۳۹۹



سرشناسه	: آذریان، علی، ۱۳۲۶-
عنوان و نام پدیدآور	: دکتر موستاش؛ رویدادها و آموخته‌ها/ علی آذریان
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات باباعلی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۴ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-95951-1-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: آذریان، علی، ۱۳۲۶-- خاطرات
موضوع	: مدرسان -- ایران -- خاطرات
موضوع	: College teachers--Iran--Diaries
رده‌بندی کنگره	: LB۱۷۷۸/۴
رده‌بندی دیویی	: ۳۷۸/۱۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۵۰۴۵۱



انتشارات باباعلی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی‌عصر، بالاتر از امیریه، کوچه هاشمی، پلاک ۳۱، واحد ۴
شماره تماس: ۰۲۵۵۳۷۹۷۰۲ - ۰۹۳۵۳۱۷۴۹۵۰
babaali.pub@gmail.com

دکتر موستاش، رویدادها و آموخته‌ها

نویسنده: علی آذریان

ویراستار: علی کهنمویی

چاپ و صحافی: ناژو

ناشر: انتشارات باباعلی

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

تمام حقوق نشر و پخش این اثر برای انتشارات باباعلی، محفوظ است.

سخن ناشر

مرد خردمند هنرپیشه را عمر دو بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه آموختن در دگری تجربه بردن به کار

سعدی

آموزه‌های اخلاقی در همهٔ جوامع بشری، قدرشناسی از استادان تلاشگر و فرهیخته را وظیفه‌ای بزرگ تلقی نموده و در ادبیات ما ایرانیان نیز، بزرگان ادب همواره به تجلیل از مقام استاد سفارش کرده‌اند تا جایی که شیخ اجل، سعدی شیرازی «چور استاد را به از مهر پدر» دانسته است.

و اما سخن کوتاه! در این بیان مجمل قطعاً نمی‌توان دربارهٔ وارستگی انسان فرهیختهٔ هم‌وطنی که سال‌ها، دور از خانه و کاشانه و نیز میهن خویش به تحصیل، تدریس و تحقیق پرداخته است تا به پیشرفت بشریت یاری رساند، سخن را به کمال رساند اما از آنجا که مولانا فرموده بود:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

ما نیز خاطرات استاد بزرگوار جناب آقای دکتر مهندس علی آذریان را به زیور طبع آراستیم تا در مرور بیش از نیم‌قرن تلاش علمی ایشان، نسل جوان بتوانند بهره‌ها از تجربیات این بزرگمرد بگیرند و نیز هم‌نسلان او را به یاد خاطراتی بیندازیم که با آنها آشنا بوده و می‌توانند با آن همزادپنداری نمایند.

علی آذریان، اصالتاً مشهدی است و به سال ۱۳۲۶ در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. او پس از پایان تحصیل در دورهٔ متوسطه در دبیرستان البرز تهران به فرانسه رفت و در رشتهٔ متالورژی و مواد به درجهٔ مهندسی از مدرسهٔ معادن پاریس نائل آمد. گذراندن رسالهٔ دکتری و اخذ مدرک آن در مدتی کمتر از دو سال در مرکز تحقیقات اتمی فرانسه، نشانگر هوش سرشار اوست. استاد آذریان پس از اتمام تحصیلات به ایران بازگشت تا به مردم کشورش خدمت کند و برای همین در ۱۳۵۳ به استخدام دانشکدهٔ فنی تهران درآمد و مشغول تدریس شد. تدریس در دانشگاه‌های معتبری همچون پلی‌تکنیک (امیرکبیر) و ملی (شهید بهشتی) و همچنین مدرسهٔ عالی کاشان و ماشین‌سازی اراک، بخشی از کارنامهٔ درخشان این استاد فرهیخته است.

استاد آذریان پس از بازگشت به فرانسه و تلاش فراوان در عرصهٔ تعلیم و تربیت این کشور، چندسالی است که بازنشسته شده است؛ اما به دلیل تخصص‌هایی که دارد همچنان به صورت کارشناس و متخصص با کمیسیون اروپا و همچنین وزارت علوم و تحقیقات فرانسه همکاری می‌کند و هنوز هم به تدریس علم مهندسی مشغول است. اخیراً ایشان کتابی در زمینهٔ صنایع به زبان فرانسه به چاپ رسانده است و همچنین مجوز نشر همین کتاب (دکتر ماستاش، رویدادها و آموخته‌ها) را از کتابخانهٔ ملی فرانسه دریافت کرده است که شمارهٔ شابک آن در پایان سخن آورده شده است.

اگر خاطرات استاد آذریان را با چشم دل بخوانیم، صفحاتی از تاریخ معاصر در برابر دیدگان ما پدیدار خواهد شد و روزنه‌ای برای عبرت ما قرار خواهد گرفت؛ همچنان که حضرت حق فرمود: فاعتبروا یا اولی الابصار.

شابک فرانسوی کتاب: N° ISBN: 978-2-9565282

فهرست

۱	مقدمه
۱۱	فصل اول: نگاهی به اجتماع کشورمان بعد از ۳۳ سال دوری
۱۶	مأم وطن
۲۶	فارسی امروز
۳۲	داروخانه ۱۳ آبان
۳۸	زبان شیرین فرانسه
۴۷	قیمت نان
۵۳	احساس خطر
۶۱	اسراف و اتلاف
۷۱	ترافیک تهران
۸۲	طبقه‌الکی خوش ولی افسرده
۸۹	فصل دوم: تعلیم و تربیت و یادگیری
۹۲	تعریف و تنبیه
۹۸	حضرت خضر (ع)
۱۰۶	کلاس تعلیمات دینی
۱۱۶	هواپیما و قایق
۱۲۳	معلم و شاعر
۱۲۷	غذای شبانه‌روزی
۱۳۴	آداب و اصول غذاخوردن
۱۳۸	ضعف در جغرافیا
۱۴۲	درسی از تاریخ
۱۵۰	بحث فلسفی
۱۵۷	تداعی قانون
۱۶۳	امتحان ورزش
۱۶۹	خاطره سربازی
۱۷۴	کارآموزی در کارخانه رنو
۱۸۲	کارخانه سازنده موتور هواپیما

۱۸۹	فصل سوم: تجربه تدریس و معلمی
۱۹۱	ازبرکردن
۱۹۹	وفق دادن
۲۰۳	درس ریخته‌گری
۲۱۰	اندازه‌گیری
۲۱۹	تدریس در دانشکده پلی تکنیک (دانشگاه امیرکبیر فعلی)
۲۲۶	مزاحمت و شوخی بیجا
۲۳۲	پروژه تحقیقاتی
۲۳۹	مدرسه عالی کاشان
۲۴۸	تدریس در دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی)
۲۵۳	انستیتوی مهندسی شهر آنژه در فرانسه
۲۶۱	تدریس در دانشگاه‌های مراکش
۲۶۷	فصل چهارم: رویدادها، آموخته‌ها و نتیجه‌گیری
۲۷۱	رفراندم (همه‌پرسی)
۲۷۸	پول و قدرت
۲۸۴	مسافرت پدرم
۲۹۸	مریضی
۳۰۷	دعای پدر و مادرم
۳۱۲	تبعیض
۳۲۲	بازی شطرنج
۳۲۷	دروغ و دورویی
۳۳۶	مشهد مقدس
۳۴۶	نتیجه‌گیری؛ علل پیشرفت

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

مقدمه

چند سال پیش، من پس از شروع دوران بازنشستگی و کم‌شدن فعالیت حرفه‌ای، تصمیم به نوشتن دو کتاب گرفتم. کتاب اول (تجزیه و تحلیل عملکردی سیستم‌ها) به زبان فرانسه^۱ و دربارهٔ مهندسی صنایع و سیستم‌ها بود که بالاخره به لطف خدا در شهریورماه ۱۳۹۵ (سپتامبر ۲۰۱۶) در پاریس به چاپ رسید. این کتاب، براساس تجربیات من و همکارم، دکتر یان پوله^۲، برای تدریس همین رشته در مدارس مختلف مهندسی و شرکت‌های دولتی و خصوصی در کشور فرانسه تدوین شده است.

یک سال پس از چاپ این کتاب قرار شد مشاور عالی‌رتبهٔ شرکت برق فرانسه، کتاب ما را بررسی و برآورد کند و گزارشی درمورد محتوای علمی و فنی این کتاب ارائه دهد. این شخص که به سخت‌گیری معروف است، گزارش بسیار خوبی درمورد محتوای کتاب نوشت و آن را به مدارس مهندسی و شرکت‌های عمدهٔ فرانسه، از جمله ۸۰ شرکت معتبر ارسال کرد.

این کتاب مهندسی براساس فرهنگ فنی رایج در صنایع کشور فرانسه تدوین شده است و به این دلیل آن را به زبان فارسی ترجمه نکردم که در ایران فرهنگ فنی امریکایی و انگلیسی و تا حدی آلمانی رواج دارد و ترجمهٔ آن به فارسی، بسیار ثقیل و نامفهوم درمی‌آید و خالی از اشکال نیز نخواهد بود.^۳

1. Analyse fonctionnelle des systèmes

2. Yann Pollet

۳. در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، من و دو همکار عالی‌قدر در دانشکدهٔ فنی، کتابی به نام «ریاضیات عمومی» (با محتوای ریاضیات مدرن) به زبان فارسی برای معلمان ریاضی و دانشجویان دانشسرای عالی ایران نوشتیم که وزارت آموزش و پرورش آن را چاپ کرد.

اما کتاب دوم، همین کتاب حاضر است. تصمیم اولیهٔ تدوین آن را زمانی گرفتیم که به نطق دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی^۱ (روح این مرد خدمتگزار و وطن پرست شاد و قرین دریای رحمت خداوند باد) رئیس اسبق دبیرستان البرز در امریکا گوش فرا دادم. دکتر مجتهدی معتقد بود که مسئلهٔ عمدهٔ ما ایرانیان، فرهنگی و اجتماعی است و تا زمانی که خودمان را اصلاح نکنیم و نقاط ضعفی که داریم از جمله تقلب، دروغ‌گویی، دورویی و به‌خصوص عدم رعایت قانون، برطرف نشود و مهم‌تر از همه سطح و درجهٔ دانش و علم ما بالا نرود، گرفتاری‌های ما ملت همچنان ادامه خواهد داشت. همچنین، دکتر هوشنگ منتصری^۲ (خداوند روح این مرد خدمتگزار را شاد کند) مرا به تألیف این کتاب تشویق کرد. اولاً، ایشان حق معلمی بر گردن من داشت و ثانیاً، در برخی عقاید اجتماعی و فرهنگی باهم نقاط دید مشترکی داشتیم. در اواخر عمر او، من بارها در پاریس به دیدارش رفتم و از محضرش استفاده کردم.

من بر این باورم که اگر بهترین سیستم سیاسی موجود در دنیا را بردارند و به مملکت ما بیاورند تا در ایران پیاده شود، طبیعتاً این سیستم باید توسط ما ایرانی‌ها

۱. دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی، از چهره‌های برجستهٔ آموزشی کشور، به سال ۱۲۸۷ در لاهیجان متولد شد. وی پس از تحصیلات مقدماتی در گیلان به تهران آمد و وارد مدرسه دارالمعلمین شد. در ۱۳۱۰ با گذراندن دورهٔ ۶ سالهٔ متوسطه، دیپلم گرفت و در آزمون «اعزام محصل به فرانسه» پذیرفته شد و لیسانس مکانیک را در سه سال به‌دست آورد. وی طی سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ موفق به اخذ مدرک فوق‌لیسانس شد و پس از آن نیز دورهٔ دکترا را گذراند. دکتر مجتهدی در ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و به‌عنوان دانشیار ریاضی دانشکدهٔ علوم و دانشسرای عالی مشغول فعالیت شد. وی ضمن تدریس در دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران، در دبیرستان «البرز» نیز صاحب مسئولیت شد و در مدت ۳۴ سال مدیریت در این دبیرستان، پایه‌گذار تربیت بسیاری از دانشمندان و مشاهیر علمی کشور بود. دکتر مجتهدی هم‌زمان با ریاست این دبیرستان، در ۱۳۴۰ ریاست دانشگاه شیراز را نیز برعهده گرفت و در آذرماه ۱۳۴۱ به مدت سه سال، رئیس دانشگاه پلی‌تکنیک تهران شد و ۴ سال بعد در ۱۳۴۴، بهترین دانشگاه فنی کشور (دانشگاه صنعتی شریف) را تأسیس کرد. وی همچنین در ۱۳۴۵ عهده‌دار ریاست دانشگاه شهید بهشتی بود (به نقل از سایت بنیاد ملی نجیبگان). در نهایت، دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی در ۱۳۷۶ در شهر نیس فرانسه درگذشت و همان‌جا به خاک سپرده شد.

۲. دکتر منتصری، همکار نزدیک و دستیار دکتر غلامحسین صدیقی، معاون دکتر مصدق بود.

که نقاط ضعف زیادی داریم اداره شود.

بدیهی است که برای اداره و گرداندن چنین سیستمی نمی‌توان رفت و از آلمان یا ژاپن مدیر آورد یا از مدیریت فردی فرازمینی از کره دیگری در فضا استفاده کرد. به مصداق «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، خاطر جمع باشید که چنین سیستمی هرچند کامل و ایدئال باشد با اِعمال مدیریت ما، شانس موفقیت زیادی نخواهد داشت.

من برخلاف دوران جوانی‌ام، امروز معتقدم که مسئله ما سیاسی نیست و به همین دلیل در این کتاب سعی کرده‌ام که مطالب و مباحث سیاسی را تا حد امکان کنار بگذارم؛ هرچند که همه چیز کم‌وبیش رنگ سیاسی دارد و به‌آسانی می‌توان ایراد گرفت که اینجا یا آنجا نوشته من بوی سیاست می‌دهد؛ درحالی‌که من چنین خیالی نداشته و ندارم.

ما ایرانیان با داشتن تاریخ کهن سال و همچنین تجربه‌های فراوان و گوناگونی که طی قرن‌ها کسب کرده‌ایم، متأسفانه از آموزه‌های تاریخی کشورمان بی‌خبریم یا مطلقاً از آنها درس نگرفته‌ایم و حتی اگر هم از بعضی تجربه‌ها مطلع شده‌ایم، مع‌هذا از آن تجربه‌ها نتایج لازم را نیاموخته، درس عبرت نگرفته و آنها را به کار نبسته‌ایم و هنوز هم نمی‌بندیم.

جنگ هفتادودو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

حافظ

من که بالاجبار با تاریخ کشور فرانسه آشنا شده‌ام باید بگویم که تاریخ ایران در مقایسه با کشور فرانسه، بدون رودربایستی مملو از خیانت است. ما یا متوجه این حقیقت نیستیم یا نمی‌خواهیم قبول کنیم که چگونه در خلال قرن‌ها و سال‌ها خیانت یک مشت نادان و بخصوص فرصت‌طلب بی‌فرهنگ، صرفاً برای منافع شخصی، این آب و خاک را بارها و بارها بر باد داده‌اند و از پیشرفت و ترقی آن جلوگیری کرده‌اند.

ما ملتی هستیم که ادبیات غنی و بی‌نظیری داریم اما چه کم هستند کسانی که به گفتار روشنفکران و ستاره‌های ادبیات فارسی که مانند لؤلؤ در زمان خود درخشیدند گوش فرا دهند یا نصایح آنها را به کار گیرند.

ایران ملتی باهوش دارد ولی چه فایده که متأسفانه اغلب، این هوش و ذکاوت برای مقاصد غلط و راه‌های نادرست به کار می‌رود، نه در مسیر سازندگی، خلاقیت و بهبود کشور یا خدمت به مردم.

من به لطف خداوند متعال این فرصت را در زندگی پیدا کردم که در دوران تحصیلات دانشگاهی خود در فرانسه از امکانات آموزشی این کشور که در سطح نسبتاً خوب و بالایی قرار دارد برخوردار شوم. در رشته مهندسی با بورس دولت فرانسه مدرک مهندسی گرفتم و سپس در مرکز تحقیقات اتمی فرانسه موفق به اخذ درجه دکترا در عرض کمتر از دو سال شدم.

صادقانه فکر می‌کنم که چنین تحصیلاتی امروز برای محصل یا دانشجویی که از ایران به فرانسه بیاید تقریباً غیرممکن است؛ زیرا درهای مدارس خوب و درجه اول مهندسی یا دانشگاه‌های معتبر و مراکز تحقیقاتی نظیر مرکز اتمی، مانند سابق برای یک خارجی باز نیست. این تحصیلات برای انسان تکلیف ایجاد می‌کند که به هموعان خود کمک کند و قدمی هرچند ناچیز در جهت بهبود اجتماع و کشورش بردارد.

والدین من و تمامی معلمان و استادان من، چه ایرانی و چه فرانسوی و چه از دیگر کشورها، به من علم و دانش، وطن‌پرستی، خدمت به مردم، پاک‌ی و صداقت و صفات عالی انسانی را آموختند. من نیز در مقابل آنها احساس مسئولیت می‌کنم و درحقیقت این کتاب هدیه‌ای است ناقابل برای سپاسگزاری از زحمات آنها. ولی متأسفانه اغلب آنها دیگر دار فانی را ترک کرده‌اند و نمی‌توانند شاهد نتیجه کار من باشند. بنابراین، حاصل زحمات چندساله خود را تقدیم به ملت ایران و به‌خصوص نسل جوان آن می‌کنم که از تجربیات و تفکرات من برخوردار شوند.

بسیاری از مردم کشور ما حتی دیگر حاضر به قبول حرف حساب یا گوش دادن به حرف‌های روشنفکران جامعه نیستند. عکس‌العمل آنها در مقابل نصایح و راهنمایی‌های پدران این است: ول کن بابا، کی حوصله داره!

آزمایش نشان داده که تاکتیک عده‌ای از افراد، از جمله مزدوران بی‌مخ و این قبیل گروه‌ها، براساس شایعه‌سازی و تهمت بنا شده است ولی این مردم هستند که باید حواسشان جمع باشد و گوش به لاطائلات و حرف‌های بی‌اساس و بدون مدرک یا شاهد ندهند. مصداق این حرف، دکتر مجتهدی است که سال‌ها استاد ریاضی دانشکده علوم و دانشکده فنی دانشگاه تهران بود. به قول یکی از همکارانش، او تا سه‌شنبه بعدازظهر استادی باسواد محسوب می‌شد ولی از صبح چهارشنبه، همه‌جا شایعه افتاد که ایشان بی‌سواد است. یاللعجب! هیچ کسی نفهمید که چه فعل و انفعالات شیمیایی انجام شد که این استاد ارجمند، یک‌شنبه بی‌سواد شد!

ما در خراب کردن رقبای خود یا افرادی که از آنها خوشمان نمی‌آید حد و حصری نمی‌شناسیم. هرچه از دستمان برآید یا زبانمان اجازه بدهد یا ندهد بدون کنترل و فکر می‌گوییم، بدون اینکه در نظر بگیریم که آخر این کارها یا حرف‌ها، از جمله بهتان‌ها و تهمت‌های بیخود، ممکن است آینده و عواقب بدی داشته باشد و تازه ملاک‌های اخلاقی هم به ما اجازه بسیاری از این سخنان و کارها را نمی‌دهد.

متأسفانه در مملکت ما قانونی وجود ندارد که بتواند از این نوع کارها و حرف‌ها جلوگیری نماید یا این مجرمان را تنبیه کند. درحقیقت حرف بیخود و تهمت‌زدن مجانی است و مجازاتی ندارد و اگر زدی، طوری نیست و اشکالی هم ندارد!

اما در مورد عنوان این کتاب باید بگویم که در پاییز ۱۳۹۱ در مدرسه مهندسی EPF نزدیک پاریس مسئول تدریس دو واحد مهندسی شده بودم. یک‌روز برای تدریس به این دانشکده رفتم. شنیدم که یک دانشجو در حیاط مدرسه از دوست خود پرسید: «امروز بعدازظهر چه کاری داری؟» و دانشجوی دیگر جواب داد: «باموستاش^۱ (سیل) درس دارم!».

وقتی رفتیم سر کلاس دیدم این محصل در ردیف جلو نشسته است. فهمیدم که مقصودش از موستاش یا سبیل، احتمالاً من باید باشم! البته این لقب در زبان فرانسه جنبهٔ بد یا توهین‌آمیز ندارد و احتمالاً این صفت را دانشجویان فرانسوی به‌خاطر داشتن سبیل پرپشت به من داده‌اند.



کلاس درس مدرسهٔ مهندسی EPF در ۱۳۹۱ که دانشجویان آن، لقب موستاش (سبیل) به من دادند.

در هر حال، در این کتاب رویدادها و خاطرات واقعی و نوشته‌های پراکنده از دوران زندگی و بالاخص جوانی من درج شده است که برای هر رویداد یا واقعه، تجربه و درسی عبرت‌آموز وجود دارد؛ برای همین، قسمتی را به تجزیه و تحلیل آنها اختصاص داده‌ام. برخی داستان‌ها را با اتکا به نوشته‌های زمان گذشته و به‌خصوص براساس یاری حافظه و آنچه را که به یاد داشتم ذکر کردم ولی طبیعی است که ذکر و درج وقایع گذشته‌های دور، خالی از خلل و تقریب نیست.

قطعاً هدف از نگارش این کتاب، جمع‌آوری پول و کسب درآمد یا رسیدن به شهرت نبوده و نیست؛ زیرا همهٔ این ارزش‌های مادی و شهرت‌طلبی‌ها گذرا، بیهوده و دنیوی است. با توجه به تصویر روی جلد کتاب به‌آسانی فهمیده می‌شود که بنا بر دیدی که من دارم، انسان در میان کائنات و مخلوقات بی‌اندازه ناچیز است؛ فرقی هم ندارد چه پولدار یا مشهور باشد و چه بی‌پول یا گمنام. افزون بر اینکه آفتاب عمر من لب بام است و خدای را شاکرم که به لطف او، با وجود دربه‌داری، تحمل غربت اجباری و خسارات زیادی که گریبان‌گیر من و خیلی از هم‌وطنانم شده است اکنون بعد از چهل سال کار و خوردن نان حلال، بی‌نیاز از چنین اموری هستم که دیگر چندان دردی هم از من دوا نمی‌کند.

در این باره بد نیست بدانید که حدود ۴۵ سال قبل خبرنگاری از یکی از ثروتمندان بزرگ فرانسه پرسیده بود: «با این همه ثروت چه احساسی دارید؟»
 مُشارٌالیه جواب داده بود: «شما می‌خواهید چه احساسی داشته باشم؟ همه خیال می‌کنند که من به‌جای یک تکه گوشت مرغ، پنجاه تکه مرغ می‌خورم و به‌جای خوابیدن در یک رختخواب ساده در ده‌ها رختخواب غلت می‌زنم. نه‌خیر، معدۀ من هم مثل معدۀ شما حجم محدودی دارد و یک تکه گوشت مرغ با نان برای پرکردن آن کافی است.»

هدف اصلی من دعوت کردن و حتی می‌شود گفت وادار کردن شما خوانندهٔ محترم به فکر کردن دربارهٔ نقاط ضعف اخلاقی ما ایرانیان است تا شاید بتوانیم علت آن را پیدا کنیم و به‌نحوی لااقل آن را در سطح خودمان از بین ببریم. از نظر من نقاط ضعف فرهنگی ما بسیار بسیار زیاد است، ولی بدبختانه ما مردم، خود را بی‌عیب و بدون ایراد و حتی برتر از دیگران فرض می‌کنیم. بدیهی است که باید بتوانیم این بیماری خودبزرگ‌بینی را به‌طور جدی درمان کنیم. اگر حقیقت امر را بخواهید، من همیشه و در تمامی طول خدمتم در حرفۀ مهندسی در شرکت‌های بخش خصوصی، لباس معلمی و تدریس دروس مهندسی و فنی هم بر تن داشته‌ام.

من سال‌های سال در ایران و در خارج از آن تدریس کرده‌ام لکن در اینجا با همان لباس می‌خواهم در مورد فرهنگ، اخلاق، رفتار، کردار و طرز تفکر ما ملت با شما سخن بگویم.

هرگز من مدعی نبوده‌ام و نیستم که در تجزیه و تحلیل‌هایم، همیشه حق به جانب من است بلکه فقط نظر و عقیده‌ام و آنچه را که در طول عمر خود تجربه کرده، آموخته و به آن رسیده‌ام را با شما صادقانه در میان می‌گذارم.

تنها تقاضای من از شما خوانندگان محترم این است که با توجه به استدلال‌ها و نظراتی که ابراز شده، به خود و اطرافیان خویش بنگرید و کلاه خود را قاضی کنید و پس از کمی تأمل و تفکر تصمیم بگیرید که باید چه نظری داشته باشید.

من در اصل، هدفم این بوده است که راهی برای تعمق بهتر و بیشتر هم‌وطنانم باز کرده باشم ولی هرگز قصد نداشتم و ندارم که خوانندگان این کتاب، چشم‌بسته و بدون تفکر، حرف‌ها یا نوشته‌هایم را به سمع قبول بپذیرند. در واقع، بیشتر قصدم شرح استدلال‌ها، نظرها و عقاید من بوده است و خدای نکرده قصد خودستایی و منیت ندارم.

لازم به ذکر است که اغلب حکایات این کتاب، با شرکت یا شهادت خود من اتفاق افتاده است و بدین جهت است که خودبه‌خود من در مرکز داستان‌ها قرار گرفته‌ام.

مضمون بعضی از داستان‌ها شاید این سوء تفاهم را برای برخی خوانندگان ایجاد کند که من یک غرب‌زده تمام‌عیار هستم که فرهنگ و تمدن غرب را بالاتر و برتر از ایران می‌داند یا خدای نکرده قصد تحقیر فرهنگ ایران یا مردم مملکت را دارم. البته باید این واقعیت را قبول کرد که فرهنگ غربی در مورد آموختن علم و دانش، مؤثرتر از ما عمل کرده است و خیلی از ابعاد آن دقیقاً مشخصات خوب فرهنگ شرق را به خود گرفته است؛ حال آنکه ما خودمان مدت‌ها است که این ملاک‌ها را بوسیده و کنار گذاشته‌ایم یا از آنها فرسنگ‌ها فاصله گرفته‌ایم.

متأسفانه امروزه، ما فقط زیاد ادعا داریم، خیلی زیاد حرف می‌زنیم و خود را بهترین و بی‌عیب‌ترین مردم عالم می‌دانیم؛ درحالی‌که غربی‌ها به‌جای حرف‌زدن، ادعا و شعارهای پوچ و توخالی دادن، کار و کوشش و طلب علم و دانش را پیش گرفته‌اند که باعث ترقی و پیشرفت جامعه آنها شده است.

اما مطالب این کتاب، شامل چند بخش است:

در ابتدا و مقدمه شرح داده‌ام که قصد من از نگارش این کتاب چیست؛ سپس بخش‌های مختلف کتاب را تشریح کرده‌ام.

فصل اول کتاب، بیشتر اختصاص دارد به نگاه و فهمی که من از اجتماع ایران پس از مراجعت به وطنم آن‌هم بعد از ۳۳ سال دوری پیدا کردم. با این نگاه جدید، تغییرات زیادی را مشاهده کردم و شرح دادم. در همین فصل، یک سلسله نوشته‌ها از رویدادهای حقیقی زندگی روزمره‌ام را نیز درج کردم که می‌تواند موضوع درس عبرت باشد یا لاقلاً برای بالارفتن اطلاعات خوانندگان محترم مورد استفاده قرار گیرد.

فصل دوم کتاب، مربوط به دروس و آموخته‌های دوران مدارس مختلف و دانشگاهی من است.

در فصل سوم، نتایج تجربیات خود را در تدریس دروس دانشگاه‌های ایران یا خارج شرح داده‌ام. برای من مطالب این فصل اهمیت بسزایی دارد زیرا فکر می‌کنم که با یک تحلیل مقایسه‌ای نتایج مهمی از آن به‌دست می‌آید و نقاط ضعف در سیستم تعلیم و تربیت موجود بهتر مشخص می‌شود.

در فصل آخر یا چهارم، مجدداً یک دنباله از داستان‌های واقعی ارائه شده است که همراه با یک نتیجه‌گیری کلی، خاتمه می‌پذیرد و در آن دلایل و شرایط پیشرفت یک اجتماع و کشور را بررسی کرده‌ام.

من از خوانندگان محترم تقاضا دارم:

اولاً، ضعف و کاستی‌های مرا در املا و انشاء، به‌خصوص در دستور زبان فارسی، ببخشند.

باید در نظر گرفت که برای فردی که نزدیک به نیم‌قرن در اروپا زندگی کرده است نوشتن کتاب به زبان فارسی یعنی زبان مادری‌اش، طبیعتاً دشوار است؛ مضافاً اینکه ادبیات فارسی رشته تحصیلی من نبوده و نیست.

ثانیاً، اگر در بعضی از حکایات به‌طور ضمنی و شاید ناخودآگاه حق را به‌جانب برداشت و عقیده خود داده‌ام، قصدم خودبزرگ‌بینی و ستایش از خویشتن نبوده و نیست بلکه کوشش کرده‌ام که حتی‌المقدور با دلیل و برهان به توضیح مواضع و دیدگاه خود بپردازم. در این مورد نیز باید ضعف قلمم را ببخشید که شاید مطالب را به‌خوبی ادا نکرده باشم و ممکن است که خدای‌نکرده موجب سوءتفاهمی شده باشد.

در خاتمه درمورد نظر و برداشت خود، چنانچه دلایل قانع‌کننده‌ای ببینم و بشنوم، مسلم است که حاضر به قبول عقیده و موضع مخالف خواهم بود و صددرصد به اشتباه خودم اعتراف خواهم نمود.

حق چاپ و نشر محفوظ (Copyright©)

از نوشته‌ها و خاطرات پراکنده دکتر علی آذریان (۱۳۹۷)